

گمنامی اساس روحانی ما

اساس روحانی فقط در مورد اینکه آیا ما نام خانوادگی یکدیگر را می‌دانیم یا نه نیست، بلکه به این معنی است که ما یکدیگر را علیرغم اینکه کی هستیم و چه کارها کرده‌ایم بپذیریم.

اصول راهنما، سنت دوازده، پیشگفتار

چه چیزی در یک نام وجود دارد؟ خب نیمی از نام ما "گمنام" است. برای عدم استفاده از نام خانوادگی خود، ما به این نتیجه رسیدیم که به طور مشترک از یک کلمه استفاده کنیم، معتاد. اما تمرین گمنامی فقط با به کار نبردن نام خانوادگی ما نیست. یک اصل روحانی نمی‌تواند آنقدر دست کم گرفته شود - به خصوص که این کلمه سخت هم تلفظ می‌شود (در انگلیسی). برای بسیاری از ما تمرین گمنامی مشکل است.

از آنجا که طبق سنت دوازدهم، گمنامی اساس روحانی تمام سنت‌ها است، درک معنا و چگونگی تمرین آن ضروری است تا بتوانیم با آن ارتباط برقرار کرده و به یکدیگر بی‌قید و شرط عشق بورزیم. یکی از اعضاء نوشته بود: "اساس روحانی ما همانند صخره‌ای است که همه ما روی آن ایستاده‌ایم، اما هر صخره‌ای می‌تواند با فشار زیاد به ماسه تبدیل شود. یک توهین این طرف، یک ناسزا و یا انتقاد کنایه‌آمیز آن طرف، و و و و..."

گمنامی باعث تضمین انصاف بین ماست که بدون آن نمی‌توانیم متحد باشیم. هیچ یک از ما برای NA خیلی بد و یا خیلی خوب نیستیم. ما صرفاً تفاوت‌های یکدیگر را تحمل نمی‌کنیم و گذشته سخت خود را نادیده می‌گیریم. در عوض به آنچه امروز هستیم احترام می‌گذاریم و آن را در آغوش می‌کشیم. ما تمام تلاش خود را می‌کنیم تا از تفاوت‌های شخصیتی فراتر رفته و به خاطر داشتن یک روز بد، واکنش نشان ندهیم. ما یکدیگر را باور کرده با اتحاد آستین‌ها را بالا زده و دست به کار می‌شویم. پذیرش به معنای تأیید همه کارهایی که می‌کنیم نیست. دور میز NA برای همه ما جا هست اما ما باید خود و یکدیگر را مسئول بدانیم. لازمه گمنامی این است که همه ما به پیام برنامه دسترسی یکسان داشته باشیم، بنابراین زمانی که رفتار یک عضو مانع این دسترسی می‌شود و یا فضای بهبودی را مختل می‌کند، نیاز است که ما خیلی شفاف باشیم: "خوش آمدید اما رفتارتان خوشایند نیست." ما نمی‌توانیم از خودمان توقع داشته باشیم تا جنبه عشق بی‌قید و شرط در گمنامی را خیلی دقیق تمرین کنیم اما در عین حال باید مطمئن شویم که هر معتادی که وارد گروه ما می‌شود امکان دسترسی به پیام بهبودی را داشته باشد. مهم نیست که آنها چه کسانی هستند، چه کارهایی کرده‌اند، و یا در آینده خواهند کرد.

امروز قصد دارم دوستان معتاد خود را باور کنم. تمرین گمنامی یعنی من باور دارم همه ما به دور از شخصیت یا گذشته خود می‌توانیم رشد کنیم. همچنین یعنی با گذشت زمان درک گمنامی راحت‌تر می‌شود.